

بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن در زبان و ادبیات عربی و زبان و ادبیات فارسی

کمال انصاری پور*

دکتر سید اکبر غضنفری** دکتر محمد جنتی فر***

چکیده

زبان مهم‌ترین ابزار ارتباط و پیوند میان انسان‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی آن‌ها و مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که برای پیام‌رسانی به کار می‌رود. برای آنکه این پیام‌ها به راحتی از گوینده به شنونده منتقل شود، گاهی با نشانه‌هایی همراه می‌گردد تا شنونده همان پیامی را که مورد نظر گوینده است دریافت کند. یکی از این نشانه‌ها در زبان عربی و فارسی، «تأکید یا توکید» است که ضمن ایجاد طراوت و زیبایی در ساختار، به اقتضای شرایط گیرنده و فرستنده، گوینده موظف است که از آن به عنوان عنصر اساسی و اثر گذار بهره جوید تا علاوه بر خلق اثری زیبا در ساختار، پیامی شیوا و رسا و مؤثر را نیز عرضه کند. این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد زیبایی‌شناختی، می‌کوشد ضمن ارائه کارکرد نشانه‌های تأکید به بررسی کاربرد و نقش آن در زبان عربی بپردازد و معادل‌های آن را در زبان فارسی بررسی کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اولاً برخی از ابزارهای تأکید در زبان عربی، در زبان فارسی معادلی مناسب دارند و برخی دیگر مختص زبان عربی یا فارسی‌اند. و ثانياً انتخاب عبارت یا درجات مختلف تأکید و یا حتی بدون چاشنی تأکید کاملاً هوشمندانه، هدفمند، و در خدمت محتوا و به منظور مناسب‌سازی کلام با نیاز گیرنده پیام و تأثیرگذاری هر چه بیشتر و بهتر در اوست.

واژه‌های کلیدی

زیبایی‌شناسی، تأکید، زبان عربی، زبان فارسی، معادل‌یابی

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسوول)

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد قم، قم، ایران.

*** دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد قم، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱

مقدمه

زیبایی از صفات الهی است و زیبایی‌شناسی عبارتی است که ریشه در فلسفه، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی دارد. شاید بهترین مسیر برای ورود به بحث نوشتار حاضر، تبیین همین جمله باشد که خداوند زیباست و زیبایی صفتی از آن اوست. زیبایی‌شناسی یکی از رشته‌های فلسفه است که به عنوان نظریه تأمل در داوری‌های زیبایی‌شناختی و چیستی زیبایی و نسبت آن با ادراک، تعریف می‌شود. هم‌چنین زیبایی‌شناسی قابلیت است برای درک بهتر ادراکات که باعث تغییر در روحیه و نگرش فرد می‌گردد. ادبیات عبارت است از آفرینش و به وجود آوردن زیبایی‌های موزون با بهره‌گیری از حروف، کلمات و واژه‌ها، تاکید، استعارات و تشبیه، ذوق و قریحه به گونه‌ای که دارای معنی بوده و موزون و مطابق قواعد مربوط باشد. به طوری که برای توصیف احساسات، تصورات، تخیل و تفکر از آن استفاده شود. هم‌چنین زبان، اعم از این که باید ابزاری برای ایجاد ارتباط میان انسان‌ها باشد، یا نظامی از نشانه‌ها تلقی گردد، دست‌کم شش عامل در آن دخالت دارد. این عوامل عبارتند از: فرستنده، گیرنده، پیام، مجرای ارتباطی، موضوع و رمزگان. البته می‌توان موقعیتی را که کلام در آن بیان می‌شود، به این عوامل افزود. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهد تا معنی در قالب متن شکل بگیرد و پیامی از سوی گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده انتقال یابد. به همین سبب، کلام باید آن قدر شفاف و واضح باشد که بتواند مقصود گوینده یا پیام را به راحتی منتقل سازد. زیرا هر نوع ارتباط زبانی مبتنی بر همکاری است. گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده باید در همکاری دایم با یکدیگر باشند. چنان‌چه این همکاری نباشد، ارتباط صورت نخواهد گرفت؛ زیرا ارتباط سالم و کامل، چهار شرط دارد. این شرط‌ها عبارت است از: کمیت، کیفیت، ربط و شیوه بیان. چنان‌چه این چهار شرط رعایت شود، شنونده یا خواننده به راحتی خواهد توانست منظور گوینده یا نویسنده را درک کند و به پیام ارسالی پاسخ دهد. کمیت آن است که همان قدر بگوییم که لازم

بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن ۷۵

است؛ نه کم، نه بیش. کیفیت، یعنی آنکه گفته‌های ما باید راست باشد، یا دست‌کم خودمان به راست بودن آن باور داشته باشیم. ربط، یعنی حرفی که می‌زنیم باید مربوط به موضوع باشد و شیوه بیان به معنای آن است که گفتار یا نوشتار باید نظم داشته باشد. (صلح‌جو، ۱۳۸۸: ۱۶)

بنا بر این، برای آنکه پیام بتواند در بر گیرنده آن تأثیرگذار باشد، گاهی با نشانه‌هایی همراه می‌گردد تا گیرنده همان پیامی را دریابد که مورد نظر فرستنده است. گاهی موضوع چنان برای فرستنده اهمیت می‌یابد که مجبور می‌شود در بافت کلام و میان نشانه‌ها و واحدهای زبانی جا به جایی انجام دهد تا کلام خود را برای دریافت پیام آن از سوی گیرنده رساتر سازد. گاهی نیز احساس می‌شود که گیرنده پیام را دریافت نمی‌کند یا نمی‌خواهد مقصود مورد نظر را بپذیرد. اینجاست که کلام با نشانه‌های دیگری همراه می‌گردد تا هرگونه مانعی در مسیر انتقال پیام به گیرنده برداشته شود. به نظر می‌رسد که هر زبانی از شیوه خاص خود بهره می‌برد که یکی از این شیوه‌ها در زبان عربی و فارسی، با عنوان «تأکید یا توکید» شناخته می‌شود و بر اساس نقش‌های شش‌گانه‌ای که یاکوبسن برای جمله بیان می‌کند، بیشتر در نقش ترغیبی و ارجاعی زبان خود را نشان می‌دهد (یاکوبسن، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۹). با نگاهی گذرا به زبان عربی و فارسی، می‌توان دریافت که بسامد ابزارها و شیوه‌های تأکید در زبان عربی بیشتر از زبان فارسی است. در کلام عرب، اصل آن است که سخن، خالی از «تأکید» آورده شود. روش سخنوری و نگارش عرب، آن است که وقتی مخاطب ذهنیتی از پیش یا شک و انکاری ندارد کلام خود را بدون ادوات تأکید آورد. عالمان بلاغت، «خبر» را به سه گونه تقسیم می‌کنند؛ کلام ابتدایی، کلام طلبی، کلام انکاری. کلام ابتدایی، خطاب به کسی گفته می‌شود که خالی الذهن باشد و در موضوع تردیدی نداشته باشد.

کلام طلبی، به مخاطبی گفته می‌شود که مردد و جویای حکم می‌باشد؛ یعنی دو طرف موضوع حکم برایش روشن است، ولی نسبت میان آن دو را نمی‌داند و از «وقوع و لا وقوع» خبری ندارد. در این گونه گفتارها آوردن تأکید لازم است، تا به وسیله آن، هم تردید برطرف شود و هم حکم روشن گردد. اما در کلام انکاری، مخاطب منکر حکم است و می‌باید

تأکیدهایی بر اساس شدت انکار آورده شود. تأکید نزد علمای بلاغت و فصاحت از شاخص‌های مهم بلاغت به شمار می‌رود؛ زیرا در آن فواید بسیار نهفته است، و از طرفی تأکید، مجاز نیست، بلکه خود نوعی حقیقت است. (تفتازانی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴). این جستار در پی آن نیست که ریشه‌های این موضوع را در دو زبان کنکاش کند، ولی می‌توان گفت که زبان عربی این ویژگی ساختاری خود را وامدار زبان قرآن است؛ زیرا با نزول قرآن که کتاب هدایت است، نه تنها محتوای آن چراغ راه مسلمانان در مسیر سعادت قرار گرفت، بلکه ساختار و بافتار زبانی آن که در اوج رسایی و شیوایی بود، از سوی همه پژوهش‌گران عرصه زبان و ادب به عنوان زبان معیار پذیرفته شد. شاید بتوان گفت ساختار مؤکد زبان عربی متأثر از آن دسته از آیات قرآن است که گیرندگان پیام آن یا در مقام شک و تردید بودند و یا در مقام انکار، و بافت موقعیتی ایجاب می‌کرد که با نوعی تأکید همراه باشد. البته آیاتی که در پی تثبیت پیامی در ذهن خواننده یا شنونده است نیز از این قاعده برکنار نیست. از این رو تأکید در آیات قرآنی نه تنها باعث سنگینی کلام نشده و بار زائد بر کلام محسوب نمی‌شود. بلکه ضمن بهبود انسجام و روانی کلام، کاملاً در خدمت پیام است؛ حتی آن جا که ضرورت اقتضا کند که تعبیر «فبأی آلاء ربکما تکذبان» در سوره الرحمن ۳۱ بار تکرار شود. به همین سبب در قرآن به عنوان کتابی که هدایت بشر را هدف غایی خود قرار داده است بین ساختار و محتوا آنچنان پیوستگی و تلازمی مشاهده می‌شود که تمامی عناصر تشکیل دهنده آن از جمله تأکید به عنوان منظومه در هم تنیده در رسایی پیام و اثر بخشی آن نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. لذا می‌توان گفت که بسیاری از ساختارهای زبان عربی با این‌که از بافت موقعیتی آغازین خود فاصله گرفته، ولی هم‌چنان سازوکار آن در بافت کلام برجای مانده است. این پژوهش می‌کوشد ضمن بررسی زیباشناختی کارکرد ابزارهای تأکید که به نقش هم‌زمانی این نشانه‌ها در ساختار جمله و مفهوم آن توجه دارد، سازوکار آن را شناسایی کند و معادل‌های آن را در زبان فارسی واکاوی نماید. سپس کاربرد آن را در زبان امروزی عربی بررسی کند.

پیشینه پژوهش

کارکرد تأکید و چگونگی معادلیابی آن یکی از مباحث مهم ترجمه به شمار می‌آید. از این رو، آشنایی با ابزارهای تأکید در زبان عربی و معادلیابی آن در زبان فارسی مهم می‌نماید. به همین دلیل، این موضوع مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است و در این راستا، پژوهش‌هایی نیز انجام شده که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود. آذرتاش آذرنوش (۱۳۶۷) در مقاله‌ای با عنوان «قید در دستور زبان عربی»، نخست قید را معنی و آنگاه برخی مباحث نحوی را ذیل آن ذکر کرده است. وی در این مقاله برخی از اسلوب‌های تأکید مانند: «أَنَّ»، «إِنَّمَا»، «مفعول مطلق تأکیدی» و «قَد تأکیدی» را قید نامیده است. مینا جیگاره (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «اسلوب‌های تأکید در زبان قرآن»، روش‌های تأکید در زبان قرآن را از نگاه علم بلاغت بررسی می‌کند که بیشتر مشتمل بر مباحث تأکید در اسناد و مسندٌ‌إلیه است. هم‌چنین محمدباقر حسینی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «صُور بلاغی و اسلوب‌های تأکید در آیات قرآن کریم» با استناد به آیات قرآنی، وجوه تأکید، مثل اطناب، تکرار و تفسیر را واکاوی می‌کند و جنبه‌های بلاغی آن را از دیدگاه بزرگان علم بلاغت مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌شود، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه منحصر به کاربرد ابزارهای تأکید در قرآن است و بیشتر رویکرد بلاغی دارد. پژوهش حاضر نگاهی زیباشناختی به موضوع تأکید دارد و کارکرد آن را در زبان امروزی عربی و معادلیابی آن را در زبان فارسی واکاوی می‌کند.

مفهوم تأکید در زبان عربی و فارسی

تأکید یا توکید مصدر باب تفعیل از مادهٔ اَکَد و وکد است. در المنجد می‌خوانیم: اُکَد و وکَد - العهد والسرج: شده و اوثقه (پیمان را محکم کرد، زین را محکم بست)، تأکَد و توکَد: توثق وإشتمد (سفت و محکم شد). (معلوف، ۱۳۶۵: ۱۵).

لسان العرب نیز در توضیح مادهٔ وکَد آورده: (وکَد العقد و العهد: اوثقه و الهمزُ فیه لغه

۷۸ بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن

یقالُ أوکدته ایکاداً و بالواو افصح: ای شدت‌ده و توکد الامر و تاکد بمعنی یقال: وکدت الیمینَ والهمزُ فی العقد اجود و تقولُ اذا عقدت فاکد و اذا حلفت فوکد. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۸۲) در المعجم الوسیط نیز در توضیح ماده (وکد) آمده: وکد الرّحل: شدّه، وکد العقد: أوثقه وأحکمه، أوکد السرج: شدّه، وکد السرج و العهد: أوکدهما، توکد: اشتدّ و توثق. (انیس، ۱۴۱۰: ۱۰۵۳)

با توجه به آنچه در باره معنای لغوی لفظ تأکید گفته شد، می‌توان دریافت که تأکید یا توکید در لغت به مفهوم محکم کردن و استوار ساختن است. کاربرد نحوی آن نیز منحصر در دو نوع لفظی و معنوی است که برای تثبیت مفهوم متبوع یا برای فراگیر بودن حکم است که شامل همه اجزای پیش از خود می‌شود. (جرجانی، ۲۰۰۳م، ج ۱: ۵۰). فاضلی در کتاب شیوه‌های بیان قرآن کریم معتقد است که «تأکید عبارت است از تثبیت و تمکین یک معنا و مفهوم در ذهن مخاطب و تقویت و تعمیق آن، برای رفع هر گونه شک و تردید و ابهام نسبت به آن معنا و مفهوم مورد نظر، با بهره‌گیری از ادوات و اسلوب‌های خاص بیانی» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۵۳).

فرشیدورد در فصل سوم از کتاب در باره ادبیات و نقد ادبی، تأکید را این گونه تعریف می‌کند: «تأکید آن است که سخنی را اعم از کلمه یا جمله یا گروه، با وسایل دستوری یا معنایی به منظورهای بلاغی مورد توجه قرار دهیم و به آن شدت، یا کمال و یا روشنی بخشیم. تأکید گاهی برای کلمه و جمله، و گاهی نیز برای جمله‌واره و گروه است» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۳۹۹). در ادامه، وی کاربرد تأکید را به موارد عام و خاص تقسیم می‌کند که در موارد عام، به کاربرد بلاغی و در کاربرد خاص، به کاربرد دستوری آن در زبان فارسی اشاره می‌کند (همان: ۴۲۵-۳۹۹).

زیبایی‌شناسی تأکید

«زیبایی» از جمله مفاهیمی است که در طول تاریخ توسط فلاسفه و صاحبان آراء، بسیار

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن ۷۹

مورد نقد و بررسی قرار گرفته و درباره نقش و تبیین جایگاه آن در تفکر بشری سخن بسیار گفته شده است. زیبایی‌شناسی یکی از رشته‌های فلسفه است که به عنوان نظریه تأمل در داوری‌های زیبایی‌شناختی و چیستی زیبایی و نسبت آن با ادراک، تعریف می‌شود. هم‌چنین زیبایی‌شناسی قابلیت است برای درک بهتر ادراکات که باعث تغییر در روحیه و نگرش فرد می‌گردد. ادبیات یکی از بسترهای مهم تجلی زیبایی‌ها است و اگر عشق، تجلی معرفت به زیبایی‌ها توصیف شود، تردیدی نیست که یکی از ارکان کنکاش و جستجو و ارایه زیبایی‌ها و جلوه‌های بی‌نظیر آن ادبیات است. همین سبب شده که در ادبیات فارسی به موضوع عشق که زاینده و برخاسته از ادراک زیبایی‌های خلقت است، به صورت گسترده‌ای پرداخته شده است. در حقیقت ادبیات عبارت است از آفرینش و به وجود آوردن زیبایی‌های موزون با بهره‌گیری از حروف، کلمات و واژه‌ها، تاکید، استعارات و تشبیه، ذوق و قریحه به گونه‌ای که دارای معنی بوده و موزون و مطابق قواعد مربوط باشد. به طوری که برای توصیف احساسات، تصورات، تخیل و تفکر از آن استفاده شود. هم‌چنین زبان در ادبیات، مهم‌ترین ابزار ارتباط و پیوند میان انسان‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی آن‌ها و مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که برای پیام‌رسانی به کار می‌رود. برای آنکه این پیام‌ها میان فرستنده و گیرنده به راحتی انتقال یابد، گاهی با نشانه‌هایی همراه می‌گردد تا گیرنده همان پیامی را دریابد که مورد نظر فرستنده است. یکی از این نشانه‌ها در زبان عربی و فارسی، «تأکید یا توكید» نامید می‌شود که ضمن ایجاد طراوت و زیبایی در ساختار، به اقتضای شرایط گیرنده و فرستنده موظف است که از آن به عنوان عنصر اساسی و اثر گذار بهره جوید تا علاوه بر خلق اثری زیبا در ساختار، پیامی شیوا و رسا و مؤثر را نیز عرضه کند. گاهی موضوع چنان برای فرستنده اهمیت می‌یابد که مجبور می‌شود در بافت کلام و میان نشانه‌ها و واحدهای زبانی جا به جایی انجام دهد تا کلام خود را برای دریافت پیام آن از سوی گیرنده رساتر سازد. گاهی نیز احساس می‌شود که گیرنده پیام را دریافت نمی‌کند یا نمی‌خواهد مقصود مورد نظر را بپذیرد. اینجاست که کلام با نشانه‌های دیگری همراه می‌گردد تا هرگونه مانعی در مسیر انتقال پیام به گیرنده برداشته شود. به نظر

۸۰ بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن

می‌رسد که هر زبانی از شیوه خاص خود بهره می‌برد که یکی از این شیوه‌ها در زبان عربی و فارسی، با عنوان زیبایی‌شناسی «تأکید یا توکید» شناخته می‌شود و بر اساس نقش‌های شش‌گانه‌ای که یاکوبسن برای جمله بیان می‌کند، بیشتر در نقش ترغیبی و ارجاعی زبان خود را نشان می‌دهد (یاکوبسن، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۹).

در اصل آنگاه که سخن‌شناسان، درباره زیبایی‌شناسی سخن پارسی، به تحقیق و تطبیق پرداخته‌اند، زبان فارسی و عربی، همسو با یکدیگر به پیش رفته است؛ اما در برخی سطوح به طور طبیعی، هریک در جای خود، تحت تأثیر نظریات سخن‌شناسان، شیوه متفاوتی را نسبت به دیگری طی کرده و به دلیل ماهیت و گونه زبانی، درجات زیبایی و بلاغت هنری دیگر گونه‌ای را ارایه کرده است. در پژوهش حاضر نیز این مطلب را در بررسی زیبایی‌شناسی تأکید مشاهده کردیم و دریافتیم که با وجود یکسانی بسیاری از جنبه‌های نظری تأکید در هر دو زبان، گاهی نیز کاملاً با یکدیگر مغایرت دارند؛ از آنجا که این جستار در پی بررسی نشانه‌های تأکید در زبان عربی و معادل‌یابی آن در زبان فارسی است، از این رو ضمن معرفی ابزارهای تأکید در زبان عربی و معادل‌های آن در زبان فارسی به ابعاد زیبایی‌شناسی کاربرد این شیوه در زبان پردازد. لذا مبنای پژوهش را بررسی این نشانه‌ها در زبان عربی قرار داده‌ایم و به منظور نظم‌بخشی در سازماندهی محتوای مقاله و امکان مقایسه میان آن‌ها به بررسی این نشانه‌ها در قالب سه دسته ابزار، حرف و اسلوب می‌پردازیم.

ابزار تأکید

منظور از ابزار، آن دسته از کلماتی است که کارکرد زیبایی‌شناسی تأکید در آن‌ها غالب بر کارکردهای دیگر آن است.

«إِنَّ» و «أَنَّ»

«إِنَّ» از پرکاربردترین ابزارهای تأکید است. پیشینه کاربرد این کلمه به متون جاهلی می‌رسد، گرچه کاربرد آن در چکامه‌های هفتگانه جاهلی اندک است. اما در همان موارد اندک نیز با

بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن ۸۱

«واو» در آغاز یا «لام» در بخش پایانی جمله همراه است. البته کاربرد آن، چه به تنهایی، چه با «لام»، در قرآن بسامد بسیار بالایی دارد و برعکس، کاربرد آن با «واو» در قرآن بسیار اندک است. مانند آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف، ۲)

ترجمه فارسی: ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید.

در این آیه خداوند متعال نزول قرآن از سوی خود را به وسیله «إِنَّ» مورد تأکید قرار می‌دهد، زیرا کفار مکه و یهود که از رسول خدا درخواست نمودند تا داستان یوسف (ع) را برایشان تعریف کند، به نبوت پیامبر (ص) ایمان نداشتند، نیز به این مسأله باور نداشتند که قرآن از جانب خداوند متعال نازل شده است. بلکه معتقد بودند که مردی از ناحیه یمامه به نام «رحمان» این مطالب را به او می‌آموزد. (طوسی، بی تا، ج ۶: ۱۲۳). به همین خاطر، خداوند متعال قبل از این که به بازگویی داستان یوسف پردازد، با استفاده از «إِنَّ» بر این مسأله تأکید می‌کند که قرآن از جانب او نازل شده است، تا قبل از هر چیز زعم و گمان فاسد آنان را ابطال نماید. ضمن این که موضوع «نازل کردن قرآن بر پیامبر» یک امر کاملاً غیبی است و طبیعتاً برای اثبات مسائل غیبی نیازی شدید به استفاده از اسلوب زیباشناختی تأکید می‌باشد تا هر گونه شک و شبهه را از ذهن مخاطب برطرف سازد.

تا به امروز، زیبایی‌شناسی تأکید به وسیله «إِنَّ» در بافت زبان عربی کاربرد فراوان داشته است و دارد. البته بیشتر برای استحکام بافت کلام بوده است و تا حدود زیادی مفهوم تأکیدی خود را از دست داده است. آذرنوش معتقد است:

«إِنَّ» را فراوان در آغاز جمله‌های عربی می‌بینیم. امروز دیگر نباید آن را به تقلید از قدما (مثلاً مانند ترجمه تفسیر طبری) به اصطلاحاتی چون هر آینه، همانا، به درستی که... ترجمه کرد؛ زیرا معنای تأکیدی آن اینک تا حدودی از بین رفته است و یا حتی در زبان کهن هم همیشه معنای تأکید نداشته است و گویی «إِنَّ» در آغاز جمله پیش‌درآمدی است بر کلام فصیح و زیبا» (آذرنوش، ۱۳۶۶، ج ۱: ۶۸).

زرکوب نیز می‌نویسد: «باید توجه داشت که «إِنَّ» در اوّل کلام غالباً برای شروع صحبت

۸۲ بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن

است، نه برای تأکید. اصولاً زمانی می‌توان آن را در معنای تأکیدی گرفت که در مقام احتجاج برآمده باشد و بخواهد مطلبی را ثابت کند» (زرکوب، ۱۳۷۳: ۹۰).

به نظر می‌رسد که کاربرد «إِنَّ» به‌تنهایی در متن‌های امروزی فاقد مفهوم تأکید، ولی همراه با «لام»، مفهوم تأکیدی داشته باشد. هم‌چنین به نظر می‌رسد اگر بخواهیم هر دو این نشانه را در فارسی معادل‌یابی کنیم، اندکی از شیوایی و رسایی کلام فارسی کاسته شود و چنان‌چه بخواهیم برای آن معادلی در نظر بگیریم، باید از معادل‌یابی جداگانه «إِنَّ» و «لام» پرهیز کرد و برای آن دو، یک معادل در نظر گرفت.

در باب «أَنَّ» نیز باید یادآور شد که این ابزار در زبان امروزی عربی، تنها به عنوان عامل ارتباط‌دهنده بخش‌های مختلف جمله به کار می‌رود و به هیچ وجه کارکرد تأکیدی ندارد.

«إِنَّمَا» و «أَنَّمَا»

یکی دیگر از ادوات تأکید، «أَنَّمَا» است و «هرگاه گوینده انجام هر کاری را به استثنای یک کار، نفی می‌کند، از «أَنَّمَا» استفاده می‌نماید. معادل آنَّمَا در فارسی عبارت است از: منحصرأً، تنها، فقط و الفاظ مشابه» (معروف، ۱۳۸۹: ۲۷۴). گاهی نیز «إِنَّمَا» زمانی در جمله به کار می‌رود که مخاطب در مفهوم جمله تردید داشته باشد؛ به عبارت دیگر، مخاطب درباره موضوعی مشخص تردید دارد که در این صورت، «بی‌تردید» ترجمه می‌شود. (اصغری، ۱۳۸۶: ۲۹). مانند آیه شریفه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰) ترجمه فارسی: بی‌تردید مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید. البتّه «إِنَّمَا» گاهی در اثنای کلام، به معنای بلکه است» (زرکوب، ۱۳۷۳: ۱۶۵).

نون تأکید

نون تأکید به دو صورت مشدّد (ثقیله) و ساکن (خفیفه) به کار می‌رود و به مفهوم دو یا سه بار تکرار شدن (کردن) فعل است. این ابزار تأکید در زبان امروزی عربی کاربرد کمتری نسبت به ابزارهای تأکید دیگر دارد. کاربرد نون ساکن از نون مشدّد نیز کمتر است. معادل این نون در

بررسی تطبیقی زیبایی‌شناسی تأکید و ادوات آن ۸۳

زبان فارسی قید تأکید است. البتّه معادل واژگانی این دو نون در فارسی چندان از یکدیگر متمایز نشده است و غالباً از الفاظ زیر در ترجمه هر دو استفاده می‌شود: «البتّه، حتماً، به طور حتم، قطعاً، به طور قطع، مؤکداً، یقیناً و کلماتی که دلالت در تأکید دارند» (معروف، ۱۳۸۹: ۲۷۱). به عنوان مثال در آیه ۵۷ سوره انبیا: «وَتَاللّٰهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ» که حضرت ابراهیم (ع) خطاب به مشرکان می‌گوید به خدا سوگند که در غیاب شما نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان طرح می‌کنم، که در این آیه شریفه از آنجایی که خطاب به مشرکان بوده است با زیباترین تصویر و محکم‌ترین بیان و با ادوات تأکیدی هم‌چون قسم و نون تأکید ثقیله به کار رفته است که باعث تقویت و تأکید مضمون آیه شریفه شده است.

حروف تأکید

منظور از حروف، آن دسته از نشانه‌های تأکید است که ممکن است در یک بافت به مفهوم زیبایی‌شناسی تأکید به کار رود و در بافت دیگر، بیان‌گر مفهومی دیگر باشد.

«ألا» و «أما»ی استفتاحیه

«ألا» و «أما»ی استفتاحیه مفهوم تأکید را می‌رساند و «مقصود اصلی گوینده از عنوان ساختن چنین حرفی، آن است که شنونده به طور جدی و مؤکد به مضمون کلام التفات کند» (نجاریان و جوادی نیک، ۱۳۹۲: ۱۱). در زبان فارسی، حروف استفتاحیه نداریم، بلکه معادل این حروف، همان شبه‌جمله‌های تحذیر و تنبیه (مانند: مبدا، ای امان، زنه‌ار، هان و غیره) هستند که جنبه زیبا شناختی تأکیدی دارند (انوری و گیوی، ۱۳۸۲: ۲۴۲). مانند آیه شریفه: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲)

ترجمه فارسی: آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. همان طور که ملاحظه می‌شود در آیه شریفه، با استفاده از «ألا»ی استفتاحیه، به زیباترین تصویر بر این نکته تأکید شده است که اولیای الهی نه ترس و بیمی دارند و نه اندوهگین

می‌شوند.

حرف قد

«قد» از حروفی است که هم بر سَرِ فعل ماضی و هم بر سَرِ فعل مضارع می‌آید، اما «اگر پیش از فعل ماضی بیاید، فعل را تأکید می‌کند و معادل آن در فارسی، ماضی نقلی است و همراهی قد با فعل ماضی می‌تواند بیان‌گر قانون یا حکمی قطعی باشد» (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۸۴). اما صاحب النحو الوافی معتقد است: «قد معنای ماضی را به حال نزدیک می‌کند؛ به عبارت دیگر، هرگاه قد را بر سَرِ ماضی آوردیم، آن فعل دیگر در معنای گذشته نزدیک است، نه گذشته دور» (حسن، ۱۹۶۶م، ج ۱: ۵۱). اما آذرنوش معتقد است: «قد گاهی (و غالباً و شاید در زبان عربی معاصر) هیچ معنای خاصی ندارد و تنها آغاز و پیش‌درآمدی فصیح و ادبی است برای سخن». (آذرنوش، ۱۳۶۶، ج ۱: ۹۰). زیبایی‌شناسی تأکید به وسیله «قد» اختصاص به زبان عربی دارد. بنا بر این دیگر نباید در زبان فارسی معادلی را برای آن جستجو کرد.

لن

«لن» که بر سر فعل مضارع در می‌آید، علاوه بر منفی کردن، معنای زیباشناختی تأکید نیز به آن می‌دهد. در زبان فارسی، قید «هرگز» دقیقاً همین کارکرد را دارد و معادل مناسبی برای «لن» است. مانند آیه شریفه: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي إِيَّاكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي...» (اعراف، ۱۴۳). ترجمه فارسی: و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید...».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در آیه شریفه، با استفاده از «لن»، به زیباترین تصویر بر این نکته تأکید شده است که حضرت موسی (ع) هرگز با چشم سر نمی‌تواند خداوند را ببیند.

اسلوب‌های تأکید

منظور از اسلوب، آن دسته از نشانه‌های زیباشناختی تأکید است که معمولاً سیاق یا بافت

کلام را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

استفهام انکاری

از جمله اسلوب‌های زیباشناختی تأکید، استفهام انکاری است. این اسلوب همواره در جمله‌های منفی به کار می‌رود. فرشیدورد معتقد است: «استفهام انکاری تأکیدش بسیار بیشتر از نفی است. بنا بر این، یکی از راه‌های مؤثر تأکید جمله منفی آن است که آن را به صورت استفهام انکاری بیآوریم» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۴۲۴). مانند آیه شریفه: «أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا» (اسراء، ۴۰).

ترجمه فارسی: «آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده، و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است؟» زیبایی تأکید به وسیله استفهام انکاری در این آیه شریفه در این است که خداوند در قالب استفهام، این فکر و عقیده باطل مشرکان را نفی نموده است.

از آنجا که استفهام انکاری در زبان فارسی هم وجود دارد، لذا تأکید را تنها با ترجمه معنایی هم می‌توان انتقال داد و نیازی به تأویل جمله به صورت مثبت نیست.

أَمَّا

«أَمَّا» از حروف شرطیه است. با وجود این، چون در بافت جمله تغییر ایجاد می‌کند، باید آن را از اسلوب‌های زیباشناختی تأکید به شمار آورد. عبدالغنی دقر در این باب می‌گوید: «أَمَّا حرفی است که پیوسته معنی شرط و تأکید در آن وجود دارد» (دقر، ۱۳۸۱: ۷۹). صاحب معنی اللیب می‌گوید: «کمتر نحو‌دانی را دیدم که «أَمَّا» را حرف تأکید بداند، جز زمخشری که در این باره به تفصیل سخن گفته است». سپس به نقل از وی می‌نویسد: «اگر بخواهی جمله زَيْدٌ ذَاهِبٌ را تأکید کنی و بگویی که زید حتما می‌رود، آن را با «أَمَّا» همراه می‌کنی و می‌گویی: «أَمَّا زَيْدٌ فَذَاهِبٌ» (ابن هشام، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۸۲). این اسلوب به همان شکل وارد زبان فارسی شده است و در آغاز جمله‌ها به کار می‌رود و نیازی به معادل‌یابی آن نیست.

تکرار

اسلوب زیباشناختی تکرار ملموس‌ترین شیوه تأکید است. فرشیدورد آن را از کلی‌ترین و مهم‌ترین طرق تأکید می‌داند که «در نحو عربی، آن را تأکید لفظی می‌گویند و می‌توان آن را به کلمات مرکب، جمله و جمله‌واره هم تعمیم داد». (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۳۹۹). یکی از فواید تکرار، جلوگیری از توهّم و اشتباه است (همان، ۴۰۱). این اسلوب از اسالیب مشترک بین زبان عربی و فارسی به شمار می‌آید. لذا مترجم می‌تواند با ترجمه تحت‌اللفظی تأکید به کار رفته را به زبان مقصد انتقال دهد. مانند آیه شریفه: «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (تکاتر، ۴-۳) ترجمه فارسی: «حقا که به زودی خواهید دانست. باز هم حقا که به زودی خواهید دانست.»

ضمیر شأن

یکی دیگر از اسلوب‌های زیباشناختی تأکید، ضمیر شأن است. این ضمیر به قصد تأکید و مهم جلوه دادن امری و یا عظمت بخشیدن به آن، در آغاز جملات عربی ذکر می‌شود. در ترجمه این ضمیر، می‌توان از عبارتهایی چون «شأن و منزلت چنین است»، «قصه چنین است»، «مطلب چنین است»، «حقیقت امر (در واقع)، چنین است» استفاده کرد. (معروف، ۱۳۸۹: ۱۱۳). مانند آیه اول سوره اخلاص: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ترجمه فارسی: «بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست.» در آیه شریفه، همان طور که ملاحظه می‌شود با استفاده از «ضمیر شأن»، به زیباترین تصویر بر اهمیت و عظمت مبحث توحید در همه ادیان الهی تأکید شده است.

اصغری هم به یکی دیگر از راه‌های ترجمه ضمیر شأن اشاره می‌کند و می‌گوید: «راه دیگر ترجمه ضمیر شأن این است که مفهوم عظمت و شکوه را به زبان مقصد منتقل کنیم و این بسیار به ذوق و طبع مترجم بستگی دارد. باید در نظر داشت که در فارسی، قالب خاصی برای انتقال این مفهوم وجود ندارد و ممکن است در مسیر انتقال مفهوم عظمت و

شکوه، مفهوم انحصار نیز با آن خلط شود و این می‌تواند یکی از محدودیت‌های زبان فارسی تلقی شود.» (اصغری، ۱۳۸۶: ۲۸).

فَسَم

از آنجا که این اسلوب از اسلوب‌های زیباشناختی مشترک بین زبان عربی و فارسی است، با ترجمه لفظ به لفظ، مفهوم تأکیدی آن منتقل می‌شود. زیباترین این تصویر در قرآن کریم دیده می‌شود. آنجایی که در سوره شمس با به کار بردن هفت قسم، تزکیه نفس را شرط فلاح و رستگاری می‌داند.

نتیجه

با توجه به آنچه در این مقاله گذشت می‌توان گفت که تأکید در کلام نه تنها از مقوله حشو و تطویل نیست بلکه به سبب اغراض و فوایدی که بر آن مترتب است، یکی از اسالیب بسیار مهم و موثر در بیان معانی و تقریر و تثبیت آن در ذهن و اندیشه مخاطبان است. بنا بر این گیرنده‌ای که به محتوای کلام باور ندارد و یا در آن دچار تردید شده و یا در برابر آن موضعی ندارد و یا فرستنده‌ای که در صدد نشان دادن میزان اهمیت پیام است، هر یک می‌تواند از جمله اقتضائاتی باشد که استفاده از شیوه تأکید در کلام را ضرورت می‌بخشد. بنابراین شیوه تأکید مانند تکه‌ای از یک اثر هنری مانند نقاشی مکمل آن است و نبود آن در جای مناسب خود نه تنها زیبایی و طراوت آن را مخدوش می‌نماید، بلکه به رسایی و شیوایی و اثرگذاری کلام که همانا هدف اصلی القای آن است آسیب می‌زند. در نتیجه مطلوب علم زیباشناسی این است که زیبایی ساختاری اثر تا حدی مناسب و پذیرفتنی است که در خدمت رسایی و اثرگذاری پیام باشد؛ وگرنه به عنوان عنصری زاید به کلام کمکی نمی‌کند و آن را گرفتار حشو و تطویل و سنگینی می‌نماید. شیوه تأکید نیز از این اصل مستثنی نیست. کاربرد متعالی این شیوه را می‌توان در برخی از آیات قرآن مشاهده نمود که بنا به اقتضای حال و موقعیت، این روش به

صورت‌های مختلف و با شیوه‌ای دلنشین یافت می‌شود به گونه‌ای که تنها اختصاص به کلام وحی دارد. از آنجایی که زبان مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که انسان‌ها برای پیام‌رسانی از آن بهره می‌برند، برای آنکه این پیام‌ها میان فرستنده و گیرنده به راحتی انتقال یابد، باید همکاری میان آنان برقرار گردد. برای آنکه پیام بتواند آشکارا به گیرنده انتقال یابد، در برخی از موارد، با نشانه‌هایی همراه است. دسته‌ای از این نشانه‌ها در زبان عربی و فارسی با عنوان «تأکید» یا «تأکید» شناخته می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فراوانی کاربرد برخی از نشانه‌های تأکید، مانند «إِنَّ» نشان می‌دهد کارکرد تأکیدی آن‌ها در زبان امروزی عربی کم‌رنگ شده است و گویی بیشتر برای تقویت و استحکام بافت کلام به کار می‌روند. برخی از حروف تأکید نیز مانند «قَدْ» بیشتر در تعیین زمان فعل نقش‌آفرینی می‌کنند. دسته دیگر از آن‌ها نیز کاربرد بسیار کمی در متون معاصر دارند؛ مانند «ن» ساکن (خفیفه) و مشدّد (ثقلیه) تأکید، ولی اسلوب‌های تأکید هم‌چنان نقش تأکیدی خود را در سطح جمله ایفا می‌کنند. بررسی معادل‌یابی نشانه‌های تأکید در زبان عربی و فارسی نشان می‌دهد که همه این نشانه‌ها در فارسی، با این‌که معادل دارند، ولی مترجمان آن‌ها را معادل‌یابی نکرده‌اند. این نکته در ترجمه ابزار و حروف تأکید قابل مشاهده است. این در حالی است که اسلوب‌های تأکید به راحتی در زبان فارسی معادل‌یابی شده‌اند.

منابع و مآخذ

- ۱- آذرنوش، آذرتاش، آموزش زبان عربی ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- ۲- آذرنوش، آذرتاش، آموزش زبان عربی ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.
- ۳- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم. لسان العرب. به کوشش علی شیری. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸.
- ۴- ابن هشام الأنصاری، جمال‌الدین. مغنی اللیب عن کتب الأعراب. قم: مکتبه سیدالشهداء، چاپ پنجم، ۱۴۰۶.
- ۵- اصغری، جواد، رهیافتی نو بر ترجمه از زبان عربی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.
- ۶- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. دستور زبان فارسی ۲. چاپ بیست و دوم، تهران: میلاد نور، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۷- انیس، ابراهیم و همکاران. المعجم الوسیط. استانبول: دار الدعوه، ۱۴۱۰.
- ۸- تفتازانی، سعدالدین. مختصر المعانی. تحقیق عبدالحمید محمّد محیی‌الدین، قم: سید الشهداء، ۱۴۰۹.
- ۹- جرجانی، سید شریف علی‌بن محمّد. کتاب التعریفات. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۲۰۰۳.
- ۱۰- جیگاره، مینا، «سلوب‌های تأکید در زبان قرآن» فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه الزهراء (س)، ش ۵۲، ۱۳۸۳، صص ۵۵-۷۳.
- ۱۱- حسن، عباس. النحو الوافی. قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۶.
- ۱۲- دقر، عبدالغنی. معجم النحو: فرهنگ عربی-فارسی. ترجمه فاطمه مدرّسی. ارومیه: دانشگاه ارومیه، ۱۳۸۱.
- ۱۳- زرکوب، منصوره. روش نوین فنّ ترجمه. اصفهان: انتشارات مانی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۴- صلح‌جو، علی، گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- ۱۵- فاتحی‌نژاد، عنایت‌الله و سیدبابک فرزانه. درآمدی بر مبانی ترجمه. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه، ۱۳۸۸.
- ۱۶- فاضلی، محمّد. شیوه‌های بیان قرآن کریم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۷- فرشیدورد، خسرو، درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۱۸- معروف، یحیی. فنّ ترجمه. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۱۹- معلوف، لوییس. المنجد فی اللغة. قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۵.
- ۲۰- ناظمیان، رضا. روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۲۱- هاشمی، احمد. جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
- ۲۲- یاکوبسن، رومن. زبان‌شناسی و شعرشناسی. ترجمه کوروش صفوی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۸۸.